



«الف لام خمینی» گامی نوین در شناخت سلسله جنبان انقلاب

نظری بر آفتاب

■ **محمدرضا کائینی**

اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، یکی از شاخص‌ترین ز تَد گینماه‌هایی است که در شناخت ابعاد و زوایای متنوع شخصیت امام خمینی، به رشته تحریر درآمده است. این پژوهش توسط مورخ نام آشنا، هدایت‌الله بهبودی انجام شده و مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی آن را منتشر کرده است. ناشر در معرفی این کتاب، چنین آورده است:

«کتاب الف لام خمینی، زندگینامه امام روح‌الله موسوی خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، زندگی و زمانه امام خمینی را تا پیروزی انقلاب اسلامی، با نگاه و نگارشی دیگر بررسی کرده است. هدایت‌الله بهبودی نویسنده این اثر، در یادداشت خود یادآور گردیده که پس از چهار سال تلاش همواره با استناد به مدارک و مستندات معتبر، آن را فراهم آورده است. کتاب الف لام خمینی با معرفی خاندان امام خمینی آغاز می‌شود و زادگاه، ادامه درس آموزی در اراک و مهاجرت به حوزه علمیه قم پی می‌گیرد. می‌توان این زندگینامه را به دو بخش کلی تقسیم کرد. اول، زندگی علمی حاج آقا روح‌الله خمینی در قم که بیش از ۴۰ سال از عمر او را در بر گرفت. او در این چهار دهه درس گرفت، درس داد، نوشت و ماترک چشمگیری از منشورات و شاگردان به جا



▲ امام خمینی در دوران جوانی وهنگام تحصیل در قم

گذشت. دوم، زندگی سیاسی امام خمینی است که از اواسط سال ۱۳۴۱ شمسی آغاز می‌گردد و با فراز و نشیب‌های فراوان، ۱۶سال بعد، به پیروزی نهضت اسلامی در سال ۱۳۵۷ می‌رسد. نویسنده در همان یادداشت یادآور شده که گشت و گذار تاریخی در هر دو مقطع، با دشواری روبه‌رو بوده است. دوره اول به جهت نبودن اسناد و دوره دوم به علت فراوانی اسناد! چراکه تاریخ‌نگار برای یافتن روایت درست و رسپین به حقیقت واقف، باید از مسیر پر پیچ و خم راستی آزمایی مدارک و یادهای به جای مانده عبور کند و در دام خبرها و خاطرات تبلیغی نیفتد!»

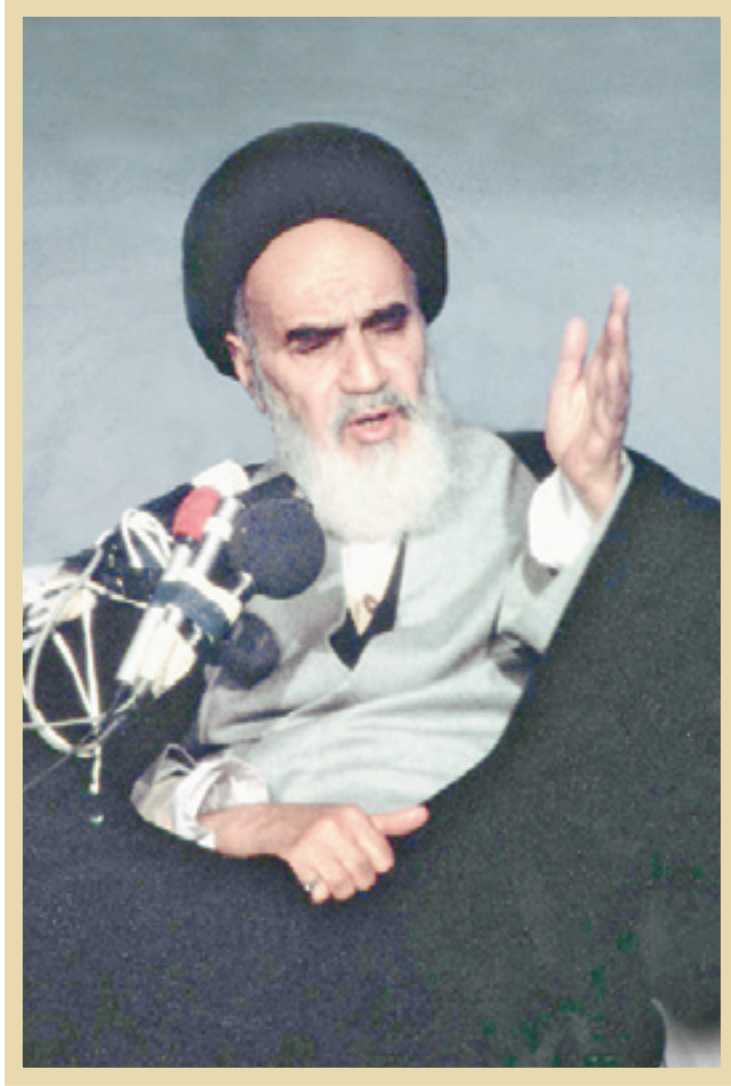
نویسنده اثر نیز در اشاره به پاره‌ای از مختصات کتاب خویش، در جلسه نقد و بررسی این تحقیق، چنین می‌گوید:

«... من با باید در مقدمه، به زندگینامه‌هایی که پیش از این درباره امام خمینی نوشته شده، اشاره می‌کردم و عیب‌های آنها را برمی‌شمردم و بعد می‌گفتم: کتابی که من نوشتم،م، این عیب‌ها را ندارد! اما من از این پُر خوشم نمی‌آید. شاید بیش از ۵۰۰ منبع برای نوشتن این کتاب مطالعه کردم و دیدم، ولسی الزماا از همه آنها استفاده نکردم. برای من خیلی موقعیت خوب و خوش منظری است که اسم ۵۰۰ کتاب را به‌عنوان منبع و به‌صورت الفبایی، در آخر کتاب ردیف کنم و بگویم: این کتاب مستند به این منابع است، ولی من به خیلی از این منابع، فقط نگاه کردم!البته این پاسخ برای کسانی که تعصب علمی نسبت به کارهای تاریخی دارند،قانع‌کننده نیست، اما بیان کردم که نیت من این بوده است. نه اینکه نقد منابع نیاید بلکه مقدمه بیاید یا اینکه فهرست منابع جزو موارد دم‌دستی در کتاب‌های تاریخی نیست، ولی به دلایلی که ذکر کردم، این موارد را در کتاب نیاردم. آنچه به‌نظم به‌عنوان مقدمه بحث درباره این کتاب لازم است، نگاه ما درباره چگونگی بررسی و نقد آن است که از چه منظری به آن نگاه کنیم. گفته شود که دلایل و استدلال‌های ضرورت وجودی این کتاب چیست؟ اینکه این کتاب در بین آثار دیگر، چه جای خالی از زندگینامه بنیانگذار انقلاب اسلامی را توانسته پر کند؟...»

■ **سیدمصطفی تقوی مقدم**
با مروری بر آثار بر جای مانده از امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، در خواهیم یافت که شهود وقایع تاریخی از نزدیک و نظر عبرت‌اندوز بدان، از عوامل شکل‌دهنده شخصیت آن بزرگ بوده است. در مقال پیش‌روی، پاره‌ای از این وقایع تأثیر گذار در دوران کودکی و نوجوانی آن راحل عظیم، مورد تأمل و بازخوانی قرار گرفته است.امید آنکه تاریخ پژوهان انقلاب و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

در این مقال، در بی دانستن این نکته‌ایم که در روزگارن دور، شخصیت امام خمینی چگونه شکل گرفت؟ چه دادوستد و دیالکتیکی میان وی و روزگارش شکل گرفت؟ایشان روزگار خود را چگونه می‌دید؟چه تأثیری از آن پذیرفت و چه تأثیری بر آن گذاشت؟(مبارک معرفتی، موقعیت اجتماعی وویژگی‌های شخصیتی وی در فرآیند این تأثیر و تأثر چه نقشی داشت؟ و سرانجام اینکه اندیشه و عمل او چه نقشی در ایجاد انقلاب و نظام اسلامی داشت؟

■ **شرایط حاکم بر خمین، در دوران ولادت امام**
امام سید روح‌الله خمینی، در ۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۲۰ ق برابر با ۲۱ شهریور ۱۲۸۱ ش، یعنی چهار سال پیش از نهضت مشروطیت، در روستای غن‌اشمت(کمره) متولد شد. هم‌زمان با دوران کودکی او عرصه سیاست و اجتماع کشور، درگیر کشمکش‌ها و بحران‌های خاص یکی از مهم‌ترین تحولات تاریخ معاصر بود. در سال‌های بعد که ایشان به تدریج وارد دوران بلوغ شد، از این کشمکش‌ها و بحران‌ها و فرجام این رویداد، آگاهی بایسته یافت و متأثر شد. او کمتر از پنج‌ماه سن داشت که پدر خود را از دست داد. به مرور که بزرگ‌تر شد، آگاه شد که پدرش سیدمصطفی(۱۳۲۰-۱۲۷۸ ق)، از شاگردان میرزای شیرازی صاحب‌فتوای مشهور تحریم تنباکو بوده که پس از کسب علم، به عنوان مجتهدی مسلم با کوله‌باری از تجربیات مبارزاتی به خمین بازگشته و مرجع دینی آن دیار بوده است. سیدمصطفی به عنوان یک سید مجتهد شیعه، مورد توجه مردم و مستضعفین منطقه قرار گرفت و مقابل خوانین و حکام ظالم و اشرار متجاوز به حقوق مردم، ایستادگی و مقاومت می‌کرد و در این راه، حتی مدتی



۱۳۵۸هـ.ق.مقام خمینی در حال سخنرانی در حسینیه عصاران

ساریخ

کفت وگرم ۸۸۴۹۸۴۳۷

دردن دیند

دردن دیند

دردن دیند



سیدمحمد کمره‌ای از شخصیت‌های سیاسی بانفوذ تهران، با خانواده امام خمینی، پیوندی نزدیک داشت و شوهر دختر عمه ایشان بود. به دلیل همین پیوند بود که کمره‌ای برای گرفتن حکم قصاص قاتلان پدر امام کرد. حضور کمره‌ای در تهران و ارتباط گسترده وی با رجال وقت و کسب اطلاعات و اخبار توسط او موجب شده بود در آن دوره، وی عملاً واسطه انتقال اخبار و تحلیل‌های سیاسی از تهران به ایشنان شود

چنین اوضاعی مردم، پناهگاهی جز منازل علمای نافذ نداشتند و این منازل، پناهگاه مردم در مقابل هجوم اشرار و محل مراجعه آنان بود. خانه اجدادی سید روح‌الله در خمین نیز چنین جایگاهی داشت. بنا براین او که در آن زمان سننین نوجوانی را طی می‌کرد، شاهد بسیاری از مشکلات و گرفتاری‌های مردم بود و ذهن مستعد وی را به تأمل وامی‌داشت. ایشان به مناسبتی در این باره چنین می‌گوید: «از زمان احمدشاه یادم است که ما مبتلا بودیم به دزدی‌ها، مبتلا بودیم به این اشخاصی که می‌آمدند مثل رجبعلی و مثل آن نایب حسین کاشی و مثل آن میرزا... و اینها که شما حالا اسم‌هایشان را هم نشنیدید، می‌آمدند غارت می‌کردند، دهاتی که مسا در آن بودیم غارت می‌کردند. اصل حکومت در کلانان نمی‌توانست کاری بکند، همه‌اش این غارت‌گرها بودند. غارت‌گرها آنجا غارت می‌کردند، همه کارها را انجام می‌دادند.»

■ **تجربه مقابله در برابر اشرار**

چنین تجارسی در آن سنن و بسال، در تکوین شخصیت آن نوجوان، چنان تأثیر گذاشت که پس از دهها سال، هنگامی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام سلطه و قدرت‌های جهانی بر تهدیدات خود علیه کشور و نظام جمهوری اسلامی افزودند، با تکیه بر سوابق مبارزاتی و ظلم‌ستیزی ایام جوانی خود، در پاسخ به آن تهدیدها اینگونه واکنش نشان می‌دهد: «کی را می‌ترسانند؟ من از بیجگی در جنگ بودم. تا حالا نکشم، ما مورد هجوم زلفی‌ها بودیم، مورد هجوم رجبعلی‌ها بودیم و خودمان تنگ داشتیم و من در عین حالی که تقریباً اوایل شاید بلوغ بودم، بچه بودم، دور این سنگرهایی که بسته بودند در محل ما و اینها می‌خواستند هجوم کنند و غارت کنند، آنجا می‌رفتیم سنگرها را سرکنشی می‌کردیم. اینها از چی ما را می‌ترسانند.»

در مجموع، اظهارات وی درباره وضعیت آن روزگار، نشان می‌دهد که اصولاً اعتبار و مشروعیت حکومت و عوامل منطقه‌ای آن، از همان دوران کودکی در ذهن وی مخدوش شده بود. برای نمونه وقتی می‌گوید: «وقتی که من بچه بودم، در خمین حکومتی بود که این، یکی از خوانین آن اطراف را گرفته و حبس کرده بسود. بعد از همان خوانین، چند نفری با تنگ آمدند و حکومت را گرفتند و بردند و مردم هیچ‌عکس‌العملی نشان ندادند، بلکه خوشحالی هم می‌کردند.»

■ **خمین محل تلاقی نیروهای خودی و بیگانه، در جنگ جهانی اول**

در حالی که کشور دستخوش بحران ونابسامانی‌های ناشی از نهضت مشروطیت بود، در آگوست ۱۹۱۴/ رمضان ۱۳۳۲، جنگ جهانی اول آغاز شد. نض بی‌طرفی و اشغال نظامی کشور به وسیله طرفین جنگ، بر خامت اوضاع افزود. منطقه کمره (خمین) زادگاه سید روح‌الله، از آتش این جنگ (۱۳) نصیب نماند. او که در آن ایام سننین نوجوانی (۲۲ سالگی) را سپری می‌کرد، شاهد بود که قوای ۱۰هزار روس باعبور از مرزهای شمالی کشور، وارد مناطق مرکزی شدند تا با پیوستن به نیروهای انگلیسی، از نفوذ و پیشروی آلمان‌ها در مناطق مرکزی کشور جلوگیری کنند. در همین هنگام، کار امامزاده ابوطالب، چادر زدند و به روایتی هفت هشت روز در آن منطقه ماندند. کمیته‌لی در مسیر مهاجرت به گرمناشه، از خمین عبور کرده و حتی مدتی را در این شهر اقامت داشتند. طبق اسناد موجود، سخامه‌ای از این کمیته به فرامندی‌ضربه استاد سردار حسمت، در خمین تشکیل شد و چیزی نگذشت که فوج کمره به استعداد ۴۰۰ نفر، در نزدیکی ساوه با قوای روس به نبرد پرداختند. بدین ترتیب، خمین به گذرگاه و محل تلاقی دست‌جات کمیته ملی – که افراد برجسته‌ای از سیاستمداران ایران، همچون آیت‌الله سیدحسن مدرس حضور داشتند- شخـص مهم دیگری از شخصیت‌های بانفوذ تهران و از اعضای برجسته حزب دموکرات، به نام سیدمحمد کمره‌ای نیز حضور داشت. ایشان با خانواده سیدمصطفی، پیوند نزدیک داشتند و شوهر دختر عمه سید روح‌الله بود. به دلیل همین پیوند بود که کمره‌ای برای گرفتن حکم قصاص قاتلان سیدمصطفی از حکومت مرکزی، تلاش فراوان کرد. حضور سیدمحمد کمره‌ای در تهران و ارتباط گسترده وی با رجال دولتی، ملی و انقلابی و کسب اطلاعات و اخبار توسط وی،ا یک‌سو و سیدروح‌الله) داشت از نسوی دیگر، موجب شده بود که در آن ایام وی عملاً باعث انتقال اخبار و تحلیل‌های سیاسی از تهران به خمین و اعضای خانواده سیدمصطفی شود و نقش مهمی در ارتقای آگاهی و دانسته‌های سیاسی آنان داشته باشد. براساس مندرجات دفتر خاطرات سیدمحمد کمره‌ای،وی در فاصله زمانی ۲۷جمادی‌الاول۱۳۳۵ ۱۷آب جمادی‌الثانی ۱۳۳۷، تعداداً ۹ فقره نامه به کمره و برای سیدمرتضی فرستاده است. در همان زمان با بستگان و نزدیکان وی به شرح ذیل مکاتباتی داشته‌است:یک مورد با آقا نورالدین(برادر)، ۱۰مورد با آخوند ملامحمدجواد (عموی مادر و شوهر عمه)، ۱۳مورد با میرزا حجاز رضا(شوهر خواهر)، یک مورد



حجره امام خمینی در مدرسه علمیه دارالفنا قم

در دوران تحصیل امام خمینی در قم – که هم‌زمان با دوره پس از کودتای سوم اسفند ۱۳۹۹ و تأسیس سلسله پهلوی و سلطنت رضاشاه بود- رویدادهای مهمی در ایران باعث شد قم، به کانون مهم آمد و شد و حضور شخصیت‌های علمی و تحولات سیاسی کشور تبدیل شود.ا. امین رویدادها بر بینش و تجربه سیاسی امام افزود

جوان

روزنامه جوان | شماره ۶۲۳۱

با حاجی آقا صدر(پسر عمه)، یک مسورد با آمریکا عبدالمحمد معروف به امام‌جمعه(پسر عمه)، چهار مورد با میرزا عبدالحسین احمدی(دایی) و یک مورد با میرزا محمد مهدی احمدی(دایی). به طور طبیعی در این مکاتبات اطلاعات و آگاهی‌هایی نیز مبادله می‌شده است. کمره‌ای برای کمک به مهاجرت میلیون در ششم محرم ۱۳۳۴، تهران را به قصد خمین ترک کرد و به مدت سه ماه، در خمین اقامت داشت. حضور سه‌ماهه وی در خمین، موجب شد بستگان وی از جمله فرزندان سیدمصطفی، از نزدیک با او دیدار داشته‌وا از مسائل مهم مملکتی مطلع شوند. از تباط وی با فرزندان سیدمصطفی بعدها نیز ادامه یافت. برای نمونه، سسال‌ها بعد هنگامی که سیدمرتضی یک جنبش اعتراضی ضد حاکم خمین را رهبری می‌کرد، کمره‌ای در تهران اعتراض اهالی خمین را به گوش رئیس‌الوزرا و وزیر داخله رساند و حتی موضوع را به روزنامه‌ها کشاند و موفق شد حکمی را به نفع سیدمرتضی و علیه واندان‌های خمین بگیرد. بدین ترتیب سید روح‌الله در دوران جوانی، در معرض آخرین اخبار و رویدادهای سیاسی ایران قرار گرفت و حضور تلخ اجانب در خاک ایران را نیز شاهد بود. او بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در گفتاری کوتاه، گوشه‌ای از مشاهدات خود را از حضور روس‌ها در خمین اینگونه بیان می‌کند: «من هر دو جنگ بین‌المللی را یادم است و گمان ندارم هیچ کدام از شما، جنگ بین‌المللی اول را یادش باشد. ما در جنگ بین‌المللی هم مشاهده می‌کردیم، من کوچک‌بودم لکن مدرسه می‌رفتم و سربازهای شوروی را در همان مرکزی که ما داشتیم، در خمین، من آنجا آنها را می‌دیدم و مورد تاخت و تاز آنها[ما واقع شدیم.» بنا بر آنچه گفته شد، زندگی مجاهدانه اجداد سید روح‌الله و شهادت دو تن از آنان(سید دین‌علی‌شاه و سیدمصطفی) و نابسامانی وضع حکومت و جامعه و حوادث دوران تولد و نوجوانی ایشان – که مقارن با دوران بحرانی پس از نهضت مشروطیت و جنگ جهانی اول بود- در تکوین شخصیت و اندیشه و رفتار سیاسی -اجتماعی وی، نقش بسزایی داشته و چنان در تار و پود فکری وی رسوخ یافته بود که او را مستعد چاره‌اندیشی برای دفاع همه‌جانبه از مستضعفین و مردم مظلوم و اصلاح و تغییر وضع موجود کرد. تأثیر این عوامل در ادوار بعدی حیات ایشان در قلم، به شکلی دیگر تداوم یافت و به اندیشه و مطالعات ایشان جهت داد و همانگونه که خواهیم دید، به صورت مبانی فکری و اصول‌خده‌شناپذیر فعالیت‌های سیاسی وی در آمدند.

■ **تحصیل در دورانی حساس و پر آشوب**

سیدروح‌الله در همان سال‌هایی که شاهد تحولات پس از مشروطه و جنگ جهانی اول بود،به فراگیری دانش نیز مشغول بود. او ابتدا در مکتبخانه ملاابوالقاسم، خواندن و نوشتن و قران‌قرآن و ادعیه و مثنوی رایج مکتبخانه را فراگرفت و پس از آن، دروس ابتدایی را نزد آقا شیخ جعفر و میرزا مهدی دابی خود و منطق را نزدحاج میرزا نجفی خمینی شوهرخواهر و پسرعموی مادرش آغاز کرد و در ادامه، سیوطی و شرح باب حادی عشر وبخشی از مطول را نزدبرادر بزرگ‌تر خود سیدمرتضی آموخت. در همین سال‌ها او که در چند ماهگی پدر خود را از دست داده بود، در سن ۱۵سالگی ملای خود را نیز از دست داد؛با این حال به تحصیلات ادامه داد و در سال ۱۳۳۹ ق، در سن ۱۹سالگی برای تکمیل تحصیلات، عازم حوزه علمیه اراک شد. حوزه علمیه اراک در آن سال‌ها، با مدیریت آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری(۱۲۷۶- ۱۳۵۵ ق)، از شاگردان آیات: میرزاحسن شیرازی، آخوند خراسانی و شیخ فضل‌الله نوری رونق یافته بود. اما چند ماهی از ورود سید روح‌الله به اراک نگذشته بود که آیت‌الله حائری و درخواست علمای قم،در اواخر رجب ۱۳۴۰ ق،همزمان بانوروز ۱۳۰۰ و کمتر از یک‌ماه پس از کودتای سوم اسفند۱۲۹۹، به قم هجرت و حوزه علمیه آن شهر را احیاء کرد. سید روح‌الله نیز در همین ایام، به قم مهاجرت کرد و در جزیره‌ای در مدرسه دارالفنا،قم، درس شهر را گرفت. او در قم، مطول را نزد خردمند ادیب‌تهرانی(موسوم به آقا میرزا محمدعلی) و سبطوز را نزد آیات: سیدمحمدتقی خوانساری و آقا میرزا سیدعلی یثربی کاشانی فراگرفت و سرانجام به درس خراج آیت‌الله حائری رفت و عمده تحصیلات خارج را در محضر ایشان گذراند. افزون بر دروس رایج حوزه، او فلسفه اسلامی را نزد حاج سیدابوالحسن قزوینی، عروض و فقهی و فلسفه غرب و فلسفه تامل‌داروین را نزد حاج شیخ محمدرضا صفهانی مسجدشاهی، نزد آیت‌الله سید روح‌الله با رحلت آیت‌الله حائری دوران تحصیل سید روح‌الله با رحلت آیت‌الله حائری پایان می‌یابد و ایشان که در همان ایام تحصیل، تألیف برخی آثار خود را آغاز کرده بود، در فاصله درگذشت آقای حائری در سال ۱۳۱۵- ۱۳۴۴ - که آیت‌الله بوحرردی(۱۳۴۰- ۱۲۵۴ ش) به‌عنوان مرجع تقلید به قم آمد- نیز افزون بر تألیف، با همدرسان خود و به‌مباحثه و مطالعه و تدریس فلسفه و عرفان و اخلاق و سبطوح‌علیه‌فقه و اصول پرداخت.

■ **و سرانجام تجربیات دوران تحصیل**

در دوران تحصیل سید روح‌الله در قم – که هم‌زمان با دوره پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و تأسیس سلسله پهلوی و سلطنت رضاشاه بود- رویدادهای مهمی در ایران و غرب آسیا، به‌ویژه در عراق رخ داد که باعث شد قم، به کانون مهم آمد و شد و حضور شخصیت‌های علمی و تحولات سیاسی کشور تبدیل شود. حضور شخصیت‌ها و وقوع آن رویدادها در تعمیق آگاهی سیاسی و تکامل شخصیت امام خمینی و حتی در برداشت‌های علمی و جهت‌دهی به استنباطات و آرای فقهی و اصولی و سرانجام در رفتار سیاسی وی در دهه‌های بعد و تا پایان عمر، تأثیر جدی گذاشت.